

«اقتصادسرآمد» گزارش می دهد

# استراتژی اتیوپی برای اتصال به دریای سرخ

**سازش گروه دریایا به – وحید وروستان** – برای قرن‌های متمادی، یکی از مهم‌ترین عناصر در توانایی یک کشور برای توسعه موفقیت‌آمیز اقتصادی، توانایی آن برای دسترسی به مسیرهای تجاری دریایی بوده است. ظرفیت افزایش قابل توجه تعداد شرکای تجاری و افزایش بندر و سرعت حمل و نقل کالا دو مورد از مزایای آشکار تجارت دریایی است.

به گزارش اقتصادسرآمد، برای اجتناب از اتکابه ترانزیت از طریق کشورهای همسایه، که به یک کشور کمک می‌کند تا به استقلال سیاسی دست یابد، حداقل امتداد از ساحل دریا یا اقیانوس نیز ضروری است. با این حال، همه کشورها دسترسی مستقیم به اقیانوس‌های جهان ندارند. در حال حاضر، ۴۴ کشور تنها مرزهای زمینی دارند و به نوعی از ساحل جدا مانده‌اند. البته بسته به عوامل مختلفی مانند اندازه جمعیت، روابط با همسایگان، مسیر سیاسی و میزان رشد اقتصادی، چنین معضلی ممکن است کم و بیش برای کشورهای مختلف مرتبط باشد. در این زمینه، موضع دولت اتیوپی، پرجمعیت‌ترین کشور محصور در خشکی جهان، در مورد «مرزهای دریایی» با توجه به اظهارات نخست‌وزیر «آبی احمد» در اکتبر ۲۰۲۳، منظرزم توجه ویژه است.

#### پیشینه تاریخی

از نظر تاریخی، پادشاهان حبشه (اتیوپی) از طریق اریتره کنونی به دریای سرخ دسترسی داشتند، که بنادر آن تاجران یونانی را در اوایل دوران باستان جذب می‌کرد. علی‌رغم این واقعیت که پادشاهان حبشه فقط کنترل غیرمستقیم بر این منطقه استراتژیک مهم داشتند، «دروازه دریا» تا ظهور استعمارگران ایتالیایی در اواخر قرن نوزدهم باز بود. پس از یک دوره کوتاه ادغام که اریتره با اتیوپی فدرال شُشد، در اواخر دهه ۱۹۶۰ جنگ استقلال آغاز و منجر به اعلام استقلال اریتره از اتیوپی در سال ۱۹۹۴ شُحد. در نتیجه، اتیوپی در نهایت از استفاده آزادانه از بنادر **Acewaba** و **Masawaba** برای اهداف اقتصادی و نظامی محروم شُشد. بنابراین، یکی از دولت‌های آفریقا با رشد اقتصادی سریع و با جمعیتی که اخیراً از ۱۲۰ میلیون نفر فراتر رفته است، توسط اریتره در شمال و جیبوتی و سومالی در شمال شرقی محصور و با دریا قطع شد. در نتیجه درگیری که از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ ادامه داشت و دو دهه بعد از خصومت با اسمره، دولت اتیوپی مجبور شد از بندر جیبوتی به عنوان تنها مسیر تجاری جایگزین این کشور استفاده کند. بر اساس برآوردهای بانک جهانی، مسیر ترانزیتی آدیس آبابا-جیبوتی تا ۹۵ درصد از کل معاملات تجاری کشور را تشکیل می‌دهد. با این حال، دستیابی به توافق دیپلماتیک با اریتره در سال ۲۰۱۸ و توقف خصومت‌ها در شمال اتیوپی در سال ۲۰۲۲، همچنین برقراری ثبات نسبی در سومالی‌لند (منطقه جدایی‌طلب سومالی)، شرایط را برای کشف مسیرهای ترانزیتی جایگزین یا حتی رویکردهای جدید برای غلبه بر آن مشکل ایجاد می‌کند.



#### اظهارات راهبردی آبی احمد

عدم دسترسی مستقیم اتیوپی به اقیانوس‌های جهان در نیمه اول اکتبر ۲۰۲۳ در بالاترین سطح کشور به بحث گذاشته شُحد. آبی احمد، نخست‌وزیر این کشور که از سال ۲۰۱۸ این سمت را بر عهده داشت، ۴۵ دقیقه کامل از سخنرانی ویدیویی خود در مجلس را به موضوع دسترسی به ساحل دریای سرخ اختصاص داد. او نه تنها نکات اصلی اختلاف را بیان کرد، بلکه راه‌حل‌های بالقوه‌ای را نیز ارائه کرد. دولت اتیوپی مجبور است تقریباً به طور کامل بر مسائل داخلی تمرکز کند، و در سیاست خارجی تنها مذاکرات با مصر و سودان بر سر سد رنسانس بزرگ اتیوپی اولویت نداشته باشد. این باعث می‌شود سخنرانی او بسیار قابل توجه‌تر و به یک معنای سابقه باشد. با توجه به این واقعیت‌ها، اعلام عمومی نخست‌وزیر مبنی بر اینکه اتیوپی باید به دریا دسترسی داشته باشد را می‌توان به عنوان رونمایی رسمی از یک برنامه سیاست خارجی فوق‌العاده جاه‌طلبانه تفسیر کرد که به طور همزمان ظهور تضادها و حتی درگیری‌ها را با همسایگان خود، اریتره، جیبوتی و سومالی را نشان می‌دهد. آبی احمد، نخست‌وزیر اتیوپی، بر فوریت این موضوع تأکید کرد و گفت که دسترسی این کشور به دریا ضروری است. تحقق این پروژه احتمالاً صلح را در شاخ آفریقا که مملو از خشونت است به ارمغان آورد. این امر از نظر سیاسی به همان اندازه اهمیت دارد که با مشروعیت بخشیدن به مطالبات ارتباط مستقیم دارد. برای مثال، آبی احمد برای مشروعیت چنین اهدافی، توجیهات مختلفی از جمله مسائل تاریخی، قومی و اقتصادی را ارائه کرد. اما مهم‌تر از همه، حداقل از منظر عمل گرایانه، باید این تقاضا باشد که همسایگان در مذاکرات سودمند متقابل شرکت کنند. آبی احمد بدون اینکه مشخص کند آدیس آبابا به چه شکلی از همکاری علاقه مند است –اجاره بندر، تملک آن یا سهمی از آن – به سیاست سرمایه‌گذاری فعال ترکیه و امارات در منطقه اشاره کرد که به این ترتیب می‌توان آن را یک اقدام سرمایه‌گذاری دانست. در این راستا، نخست‌وزیر اتیوپی به سد بزرگ رنسانس اتیوپی و خطوط هوایی اتیوپی به عنوان منابعی اشاره کرد که احتمالاً به کشورهای همسایه در

ازای موافقت آن‌ها برای دسترسی مستقیم اتیوپی به دریا، پیشنهاد شُود. در نهایت، آبی احمد از کنفدراسیون با اریتره به عنوان یک جایگزین عملی یاد کرد، با این فرض که اریتره موافقت خود را با انجام یک حرکت داوطلبانه اعلام کرد. مخاطب مورد نظر سخنرانی آبی احمد، که رسماً خطاب به قانونگذاران اتیوپیایی بود، در واقع کاملاً متفاوت است. به طور کلی، چنین جذابیت مهم و علیرغم ظاهر ساده، نه تنها نشانه روشنی از اتخاذ یک استراتژی جدید و بسیار بلندپروازانه سیاست خارجی یا به عبارت دیگر دکترین است. مورد دوم اینکه این کشور در سال‌های اخیر اریتره به عنوان یکی از دوستان مهم آدیس آبابا در حل و فصل مسائل داخلی ظاهر شُده است، با این حال، آبی احمد و رئیس‌جمهور اریتره، آیزایاس افورکی، به احتمال زیاد نمی‌توانند آرزوهای سیاسی خود را با یکدیگر هماهنگ کنند.

#### اتیوپی دربریکس

در نشست اخیر بریکس تصمیم به گسترش این کشور و پیوستن شش کشور دیگر به این گروه شُشد که یکی از آن‌ها اتیوپی است. برای آدیس آبابا، عضویت در BRICS یک پیروزی مهم ژئواکونومیک، ژئولیتیک و دیپلماتیک است. بریکس با حدود ۶۶ درصد مساحت و حدود ۴۲ درصد از جمعیت جهان، نقش فزاینده‌ای در ژئولیتیک و تجارت جهانی دارد. استفاده از فناوری‌های پیشرفته کشاورزی و دانش کشورهای BRICS نیز می‌تواند در نوسازی بخش کشاورزی کشور مفید باشد و کودهای کشاورزی روسیه آماده کمک به آن هستند. با این حال، پتانسیل بسیاری از اعضای BRICS می‌تواند برای جمعیت جوان و اقتصاد رو به رشد اتیوپی مناسب باشد. در واقع، عضویت اتیوپی در بریکس در کوتاه مدت و میان مدت می‌تواند تأثیر ویژه و مثبتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، غلبه بر چالش‌های اقتصادی اتیوپی، دسترسی به چشم‌انداز روشن، افزایش نرخ رشد و کاهش بدهی خارجی اتیوپی و در عین حال ارتقای موقعیت به عنوان یک پایگاه تولید صادراتی مقرون به صرفه با دسترسی به کریدور شمال-جنوب داشته باشد.



#### جانشین نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی مطرح کرد

## قدرت بلامنازع ایران بر روی دریا

جانشین نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی با اشاره به قدرت نیروی دریایی کشور در منطقه و جهان گفت: نمونه بارزی که کشور توانست در مقابل دشمنان به ویژه ایالات متحده قدرت‌نمایی کند ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی بوده است که قدرت پوشالی آمریکا را به چالش کشاند و توانسیم دور کره زمین را دور بزیم و به همه اعلام کنیم که یک کشور قدرتمند دریایی هستیم.به گزارش اقتصادسرآمد، امیر دریادار حمزه علی کاویانی در حاشیه همایش تهدیدات و فرصت‌های ژئولیتیکی و ژئواستراتژی دریایی در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر در جمع خبرنگاران، با ابراز خرسندی از ارائه مقالات پربار و مناسب در این همایش، اظهار کرد: راهکارها، پیشنهادات و موضوعات مربوط به دریا در این همایش به خوبی تبیین شد.وی با ابراز امیدواری از استفاده بهینه از این پژوهش‌ها و تحقیقات در جهت برون‌رفت از مشکلات در حوزه دریا، افزود: جمهوری اسلامی ایران در یک منطقه مهم در جهان قرار دارد و نظریه‌های راهبردی از سوی برخی از سیاستمداران خارجی ارائه شده است و تأکید بر این دارند که موقعیت ایران یک موقعیت حساس، مهم و گذرگاهی است.وی با تأکید بر اینکه اتصال کریدور شرق-غرب، جاده ابریشم و اتصال کریدورشمال- جنوب می‌تواند بر اقتصاد کشور بسیار تأثیر گذار باشد، تصریح کرد: اقتصاد دریا بسیار مهم است و مزیت‌های استفاده از دریا برای کشور از زیست فناوری‌ها و انرژی‌های تجدیدپذیر بسیار حائز اهمیت است.جانشین نیروی دریایی ارتش بر توجه و پرداخت به موضوعات تحقیق شُده در حوزه دریا تأکید کرد و گفت: با توجه به تأکیدات فرمانده کل قوا مبنی بر توجه بیشتر به اقتصاد دریا محور، نیاز است به این امر نگاه ویژه‌ای صورت گیرد که در برنامه هفتم توسعه به آن پرداخته شُده است.امیر دریادار کاویانی با بیان اینکه سواحل کشور ماچه در شمال و چه جنوب سواحلی مستعد برای توسعه کشور در حوزه‌های مختلف گردشگری، اقتصاد و شیلات هستند، یادآور شد: در نیروی دریایی برای اینکه بتوان اقتصاد دریا محور را فعال شُود نیاز است تا قدرت دریایی برای تأمین امنیت تجارت دریا در اختیار داشت.وی ادامه داد: با توجه به تأکیدات فرمانده کل قوا از سال ۸۷ نیروی دریایی در سواحل مکران، شمال اقیانوس هند و دریاهای آزاد حضور پیدا کرده است و خطوط مواصلاتی کشور را تأمین کرده است و اقتصاد دریا با وجود فشارهای دشمن و تحریم حداکثری را سالم نگه داشته است.جانشین نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی خاطر‌نشان کرد: نمونه بارزی که توانستیم در مقابل دشمنان به ویژه ایالات متحده قدرت نمایی کنیم ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی بوده است که قدرت پوشالی آمریکا را به چالش کشاند و توانسیم دور کره زمین را دور بزیم و به همه اعلام کنیم که یک کشور قدرتمند دریایی هستیم.امیر دریادار کاویانی گفت: با انقلاب اسلامی ایران و با اقتداری که ایجاد شد امروز در صحنه دریا دارای قدرت هستیم و منابع و منابع کشور را تأمین می‌کنیم.



شنبه-۶ آبان ۱۴۰۲-سال هفتم-شماره ۱۷۶۷

## اقتصاد دریا

#### تنگه هرمز و اهمیت آن

بخش هفتم

#### تنگه هرمز و روابط بین ایران و عربستان

**همايون الهی** – وابط ایران و عربستان به هنگام حضور نظامی انگلستان در منطقه تحت تأثیر سیاست‌های این دولت قرار داشت. تا مدتی بعد از خروج نظامی انگلستان نیز عربستان از دیدگاه ایران به عنوان یک قدرت رقیب در خلیج فارس به حساب نمی‌آمد در این زمان این عراق بود که بسا توجه به توان‌های بالقوه و بالفعل خود و به خصوص نزدیکی به اتحاد جماهیر شوروی به عنوان رقیب جدی در مقابل منافع و موقعیت ایران در خلیج فارس به حساب می‌آمد. به علاوه ایران و عربستان بعد از سال‌های ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰ شمسی) به عنوان پایه‌های اصلی سیاست «دوست‌نوی» آمریکا در منطقه محسوب می‌شدند که این امر آن‌ها را کم و بیش به سوی یک سیاست همگون هدایت می‌کرد. این وضع به تدریج در دهه ۱۹۷۰ میلادی (دهه ۱۳۵۰ شمسی) تغییر یافت. حضور نظامی ایران در عمان، مسلط شُشدن بر تنگه هرمز، افزایش توان نظامی رژیم شاه، اهمیت یافتن هرچه بیشتر نفت (چه از نظر کمیت و چه از نظر قیمت)، باعث نگرانی عربستان شُحد. از نقطه نظر عربستان نفوذ ایران در منطقه نه تنها می‌توانست صدور نفت این کشور را منوط به خواست و حسن نیت ایران گرداند، بلکه ممکن بود با سقوط شیخ نشین‌ها سیستم حکومتی قبیله‌ای عربستان نیز متزلزل شُود. با توجه به این طرز تلقی بود که عربستان مخالفت خود را با حضور ایران در عمان اعلام نمود و برخلاف پیشنهاد ایران مبنی بر انعقاد یک پیمان امنیتی دست‌جمعی با حضور همه کشورهای منطقه از جمله ایران و عراق مخالفت نمود و در عوض پیشنهاد ایجاد یک پیمان دفاعی بین شش کشور منطقه و بدون حضور عراق و ایران را نمود. عربستان برای هموار نمودن راه انعقاد چنین پیمانی، با عیله برخی اختلافات مرزی خود را با کشورهای همجوار حل نمود، چنانکه با ابوظبی مسأله بومری و لُیوا را در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۴) با گرفتن یک کریدور از میان این منطقه به خلیج فارس در مقابل تغییر خطوط مرزی دیگر به نفع ابوظبی حل نمود. همچنین در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵)، عربستان منطقه بی‌طرف را با کویت تقسیم نمود بدون آنکه مسایل دوجانبه ناشی از این تقسیم را حل نماید. هرچند با وجود این به علت مخالفت شدید ایران با طرح پیمان دفاعی بدون حضور ایران در آن، این طرح تا سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) عملی نشُد. فقط بعد از شدت گرفتن جنگ عراق علیه ایران بود که شورای همکاری خلیج فارس در ماه مه ۱۹۸۳ میلادی با عضویت شش کشور عربستان، امارات متحده، عربی، قطر، بحرین، کویت و عمان تشکیل شُده.

در کنار این کوشش، عربستان در سایر زمینه‌ها نیز از دهه ۱۳۵۰ (نیمه دهه ۱۹۷۰) کوشش‌هایی را برای کاهش توان تأثیر گذاری ایران در منطقه دنبال کرد. در بخش نظامی، عربستان ضمن تشویق حضور آمریکا در منطقه به عنوان حامی خود، به گسترش توان نظامی خود پرداخت تا جایی که در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) هزینه نظامی عربستان سعودی به ۶/۷۷۱ میلیارد دلار رسید. همزمان عربستان برای کاهش وابستگی خود به تنگه هرمز طرح‌هایی را برای ایجاد خطوط لوله انتقال نفت از طریق دریای سرخ و دریای عرب آغاز نمود. این طرح‌ها عبارت بودند از:

طرح خط لوله ماوراء عربستان (پترولاین) به طول ۱۲۸۷ کیلومتر از غوار و عقیق در استان الحسا واقع در سواحل خلیج فارس به مرکز صنعتی ینبوع در دریای سرخ. این بندر به عنوان مرکز صنایع پتروشیمی و پالایشگاه‌های نفتی در نظر گرفته شُده است. هزینه این خط ۱/۵ میلیارد دلار (به قیمت سال ۱۹۷۵ میلادی) بود. اجرای این طرح در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) شروع و به سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) پایان یافت. این لوله ظرفیت ۸/۱ میلیون بشکه در روز را دارد که با تغییراتی ظرفیت آن می‌تواند به ۳ میلیون بشکه نفت در روز برسد.

طرح خط لوله دوم که ظرفیتی برابر ۲ میلیون بشکه نفت در روز را دارد از الحسا به مَکلا در اقیانوس هند می‌بایست کشیده می‌شد. این خط لوله از سراسر صحرای ربع الخالی و سپس از کشور یمَن جنوبی باید بگذرد؛ اجرای این طرح بسا توجه به وجود صحرای ربع الخالی دارای هزینه بسیار است و به علاوه چون از یمَن می‌گذشت با توجه به اختلافات مرزی عربستان و یمَن دارای مشکلات سیاسی نیز بود. خط لوله دیگری که طراحی شُده بود قرار بود نفت منطقه شبیه (در جنوب مرزهای امارات متحده عربی) را از طریق استان ظُفار عمان به دریای عرب انتقال دهد. ساخت این خط لوله در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) پیشنهاد شُشد و به علل مختلف از جمله جنگ در منطقه ظُفار بسه تأخیر افتاد. توجه عربستان برای ساخت این خطوط لوله یک توجیه اقتصادی بود. در حالی که دولت ایران این اقدام را یک امر استراتژیک تلقی می‌کرد که بدان وسیله اتکاء عربستان را به تنگه هرمز و در نتیجه به اِسران کاهش می‌داد از نقطه نظر عربستان وجود این خطوط لوله، جایگزینی نه تنها برای صادرات نفت این کشور به هنگام وقوع جنگ و درگیری در خلیج فارس بود، بلکه امکان ادامه صدور نفت در وضعیت‌های نامناسب جسوی نیز بود که بارگیری نفتکش‌ها را مشکل یا غیرممکن می‌ساخت.